

کاربست قاعده تولا و تبرا در حوزه سیاست خارجی دولت اسلامی

قاسم شبان‌نیاء رکن‌آبادی / دانشیار گروه علوم سیاسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *
 دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۵ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

چکیده

قاعده تولا و تبرا تنظیم‌کننده سیاست خارجی دولت اسلامی است و چهارچوبی برای نوع تعاملات با کشورهای اسلامی و غیراسلامی ارائه می‌دهد. در این مقاله با بهره‌گیری از منابع اسلامی و استنباط از آیات و روایات، برخی از ابعاد کاربرت این قاعده در حوزه سیاست خارجی دولت اسلامی نشان داده شده است. براساس ظرفیتی که این قاعده ایجاد می‌کند، می‌توان در حوزه ساختاری، بلوک‌بندی متمایزی از ساختار کنونی نظام بین‌الملل ارائه داد؛ به گونه‌ای که در یک‌سوی آن با بهره‌گیری از قاعده تولا و با محوریت اشتراکات ایمانی، جریانی همگرا در نظر و عمل، بر پایه اعتقادات مشترک شکل گیرد و به انحاء گوناگون، این جریان ضمن افزایش هم‌افزایی درونی، از راه‌های گوناگون، اقتدار جمعی را حفظ نموده، آن را گسترش دهد. از سوی دیگر، بهره‌گیری از قاعده تبرا، منجر به مرکزشی نظری و عملی با کسانی می‌شود که نه تنها سختی با جریان توحیدی ندارند، بلکه در برابر آن، از هر طریق ممکن، به مقابله برمی‌خیزند.

کلیدواژه‌ها: تولا، تبرا، سیاست خارجی، دولت اسلامی، کاربرت.

قواعد فقهی از جمله ظرفیت‌های درونی فقه برای متناسب‌سازی، به‌روزرسانی و پویایی احکام و موازین شریعت اسلام به‌شمار می‌آیند. قواعد فقهی آن دسته احکام کلی هستند که در ابواب گوناگون فقه به کار گرفته می‌شوند و از آن نظر که کلی هستند، بر جزئیاتی که تحت آنها مندرج‌اند، انطباق دارند و براساس آنها می‌توان حکم جزئیات را دریافت (ر.ک: بجنوردی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۹؛ مصطفوی، ۱۴۲۹ق، ص ۹). پس ملاک قاعده بودن یک چیز آن است که امری کلی باشد که بر مصادیق متعدد منطبق است و از آن فروعات متفاوتی متفرع گردد، و در این جهت فرقی نمی‌کند که آن قاعده فقط در یک باب جاری گردد و یا در ابواب گوناگون (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۸).

یکی از قواعد فقهی که در حوزه سیاست خارجی دولت اسلامی کاربرد مؤثری دارد، قاعدهٔ تولا و تبراست. براساس این قاعده، از یک‌سو باید نسبت به خداوند، انبیای الهی و ائمه معصوم علیهم‌السلام محبت قلبی داشت و بدان التزام عملی نشان داد و از سوی دیگر، نسبت به دشمنان ایشان و کسانی که مبعوض ایشانند، به‌ویژه کفار و مشرکان، هم در دل و هم در عمل تبرا جست.

اهمیت این قاعده را در ساحت بینشی و رفتاری مسلمانان، می‌توان از تعبیری که در منابع اسلامی در این زمینه وجود دارد، دریافت. براساس نقل امام جعفر صادق علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مطمئن‌ترین دستاویز ایمان، حب و بغض در راه خدا و دوست داشتن اولیای خدا و بیزاری جستن از دشمنان اوست (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۶۵ و ۲۶۴). همچنین اهل‌بیت علیهم‌السلام مرزی برای ایمان قرار داده‌اند که از جمله آن، دوست داشتن دوستداران ایشان و دشمنان‌شان است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸). در فرمایشی امام رضا علیه‌السلام تصریح کرده‌اند: با کسانی که روایاتی را از ما درخصوص پذیرش تشبیه و جبر جعل کرده و از این طریق عظمت خداوند را زیر سؤال برده‌اند، نباید رابطه مودت‌آمیز داشت، و کسانی که چنین کنند با اهل‌بیت علیهم‌السلام به عداوت برخاسته‌اند و کسانی که نسبت به آنان بغض و عداوت داشته باشند تحت ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام قرار می‌گیرند (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۴۳).

هرچند در آثار متعددی همچون آثار کلامی، فقهی، تفسیری، روایی و تاریخی، از این قاعده به اشکال گوناگون توسط اندیشمندان اسلامی موضوع بحث شده و با روش متناسب هر حوزه، ابعاد متنوعی از این قاعده روشن گردیده، لیکن به‌منظور بهره‌وری بیشتر از ظرفیت این قاعده، لازم است کاربردهای این قاعده در عرصه‌های گوناگون اجتماعی تبیین گردد. از جمله این عرصه‌ها، عرصه سیاسی، و به‌ویژه سیاست خارجی است که در آن انواعی از روابط و تعاملات میان مسلمانان و سایر بازیگران بین‌الملل شکل می‌گیرد. بر این اساس، این پژوهش به‌دنبال پاسخ به این سؤال است که قاعدهٔ تولا و تبرا در چه عرصه‌هایی از حوزه سیاست خارجی دولت اسلامی کارایی دارد؟ و چگونه می‌تواند چالش‌های پیش روی کشور اسلامی در عرصهٔ سیاست خارجی را با بهره‌گیری از ظرفیت این قاعده، برطرف سازد؟

برای پاسخ به این پرسش، ناگزیر باید به کاربردهای وسیع این قاعده در قبال بازیگران روابط بین‌الملل، اعم از مسلمان و غیرمسلمان اشاره نمود و ابعادی از کاربردهای آن را در مواجهه دولت اسلامی با سایر بازیگران روشن ساخت. بدین منظور، ضمن اشاره به ظرفیت این قاعده در تعیین چهارچوبی برای مرزبندی‌ها و بلوک‌بندی‌های بین‌المللی، به کاربرت آن در مواجهه با هریک از جریانات حاضر در صحنه بین‌الملل اشاره خواهد گردید. بنابراین، ابتدا به کاربرت این قاعده در سامان‌بخشی روابط درون جریان الهی اشاره خواهد گردید و سپس به کاربرت آن در چهارچوب‌بندی ضوابط مواجهه با جریان طاغوتی توجه خواهد شد. بدین‌روی دولت اسلامی در حوزه سیاست خارجی خود، به یک منطق و چهارچوبی برای مواجهه با این دو جریان دست خواهد یافت.

نقش قاعده تولا و تبرا در بلوک‌بندی نظام بین‌الملل

دولت اسلامی در حوزه سیاست خارجی در قبال کنشگران و بازیگران روابط بین‌الملل، متناسب با باورها و بینش‌های اعتقادی خود و نیز براساس نوع رفتاری که از آنان بروز می‌یابد، در درجه نخست، هدف‌گذاری می‌کند و در مرحله بعد، سیاست‌هایی را اتخاذ می‌نماید. براساس مفاد قاعده تولا و تبرا، در حوزه ساختار روابط بین‌الملل، دو بلوک شکل می‌گیرد که دولت اسلامی در قبال هریک از این دو، اهداف و سیاست‌های متمایزی را دنبال می‌کند: الف) در یک بلوک، جریانی تعریف می‌شود که حاکمیت الهی را پذیرفته و با اعتصام به حبل الهی (آل عمران: ۱۰۳)، روابطی مودت‌آمیز و ولایی میانشان برقرار گردیده است. این رابطه ویژه و منحصر به فرد، از نخستین انسان موحد در عالم هستی تا آخرینشان را دربر می‌گیرد و افراد در این جریان، محبت، مودت و ولایت را تنها در میان خود جست‌وجو می‌کنند و در نهایت آن را به خداوند گره می‌زنند. بدین‌روی هر کس در این جریان قرار می‌گیرد سرمنشأ رابطه ولایی‌اش خداوند متعال است (بقره: ۲۵۷) و براساس آن ولایت عظمای الهی، تنها در میان خود، به این رابطه عمیق ولایی تن می‌دهد (انفال: ۷۲؛ توبه: ۷۱).

ب) در بلوک دیگر، جریانی قرار می‌گیرد که سرمنشأ رابطه ولایی بین خود را طاغوت قرار داده است (بقره: ۲۵۷؛ آل عمران: ۶۸ و ۱۲۲؛ جاثیه: ۱۹) و بر آن اساس در میان خود، رابطه ولایی برقرار می‌کند (مائده: ۵۱؛ انفال: ۷۳). رابطه ولایی در این جریان، از منشأ ضلالت (یعنی ابلیس) آغاز شده است و به تمام کسانی که در مقابل جریان الهی موضع منفی یا ستیز دارند، سرایت پیدا می‌کند (کهف: ۵۰). در این جریان نیز افراد در ضلالت خویش و دشمنی با حق و حقیقت، رابطه‌ای کاملاً در هم تنیده دارند. روشن است که مؤمنان با چنین جریانی هیچ‌سختی ندارد و از هرگونه رابطه ولایی با آن نهی شده‌اند.

این دو جریان که شکل‌دهنده دو بلوک در نظام بین‌الملل هستند، هریک خود دارای ریزجریان‌هایی هستند که خود را با شرایط و زمینه‌های جاری در هریک از این دو جریان تطبیق داده‌اند. قاعده تولا و تبرا چهارچوب روابط حاکم بر هریک از این دو بلوک را شکل می‌دهد و رفتارها و ساختارها در روابط بین‌الملل را بر این اساس سامان می‌بخشد.

بنابر قاعده تولا و تبراه، اگر کسانی از اولیای خدا بیزاری جویند و نسبت به دشمنان خدا محبت ورزند، اینان از مرز ایمان خارج‌اند و در جریان باطل و کفر قرار دارند. از رسول مکرم ﷺ سؤال شد که با توجه به جایگاه و منزلتی که شما پیش خداوند دارید، چگونه ممکن است کسی نسبت به شما بغض و عداوت داشته باشند؟ حضرت در پاسخ فرمودند: این‌گونه که نسبت به دوستان ما غضب و نسبت به دشمنان ما محبت روا دارد (امام حسن عسکری، ۱۴۰۹ق، ص ۵۸۴).

بنابر فرمایشی از امام باقر علیه السلام، یک دسته از کسانی که اعمالشان به هیچ وجه قبول نمی‌گردد، کسانی هستند که می‌میرند در حالی که نسبت به اهل بیت علیهم السلام در قلبشان بغض دارند و نیز کسانی که دشمنان اهل بیت علیهم السلام را دوست بدانند و ولایت ایشان را ترک گویند (حلی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۷).

همچنین امام صادق علیه السلام تصریح فرمودند: هر کس با کسی که عیب بر اهل بیت علیهم السلام می‌گیرد همشین شود، یا مدح کسی را گوید که بدگویی ایشان می‌کند، یا با کسی ارتباط برقرار کند که ارتباطش را با ایشان قطع کرده، یا با کسی که رابطه با ایشان برقرار کرده است قطع رابطه کند، یا دشمنشان را دوست بدارد، یا دوست ایشان را دشمن بداند، به خدا کافر شده است (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۵۶).

کاربست تولا در سیاست خارجی دولت اسلامی

الف) نقش تولا در همگرایی مؤمنانه

از جمله کارکردهای تولا آن است که محوری برای وحدت ایمان‌آوردندگان به خداوند در اختیار قرار می‌دهد و آنان را در هر نقطه از جهان قادر می‌سازد با حرکت حول حبل‌الاهی و حاکمیت‌های یگانه، به پیوندی ناگسستنی دست یابند. اعتقادات مشترک، شریعت مشترک، آمال و آرمان‌های مشترک و البته به تبع آن، دشمنان مشترک - که از لوازم تولا است - زمینه‌ساز یکپارچگی مؤمنان بر مبنای اشتراکات ایمانی است. براساس آیه شریفه «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءَ فَاَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلٰى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَاَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ اٰيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳)، چنگ زدن به ریسمان‌الاهی بستر مناسبی برای وحدت جوامع اسلامی و تحقق حاکمیت روح برادری در میان موحدان است. برخی مراد از «حبل» را دین اسلام دانسته‌اند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۸۵).

علامه طباطبائی در *المیزان* حبل‌الاهی را قرآن کریم می‌داند که بندگان را به خداوند، و زمین را به آسمان پیوند می‌دهد. البته این منافاتی ندارد که در کنار قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز اهل بیت علیهم السلام مصداق دیگری از حبل‌الاهی باشند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۳۶۹). در آیه شریفه «اِنَّ هَذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّ اَنَا رُبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۲)، خداوند متعال دستورات خود را محور حرکت جامعه اسلامی قرار داده و بر این اساس، بر امت یکپارچه

اسلامی تأکید کرده است. حتی در جایی که اختلافی میان مؤمنان بروز پیدا می‌کند، اقتضای توحید و پذیرش حاکمیت الهی آن است که این اختلافات در چهارچوب فرامین الهی حل و فصل شود: «وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ» (شوری: ۱۰). در آیه «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (نساء: ۵۹) نیز بر رفع اختلافات در چهارچوب موازین شرع و منطبق با خواست خدا و رسولش تأکید شده است.

از این آیات استفاده می‌شود که ملاک واقعی همبستگی انسانی، نه هم‌خون بودن و هم‌سرزمین بودن، بلکه هم‌عقیده بودن بر محوریت ولایت الهی است. البته حرکت در چهارچوب ولایت الهی، اولاً مستلزم شناخت صراط مستقیم و حرکت در مسیر آن، و ثانیاً پرهیز از پیمودن راه‌های انحرافی است (انعام: ۱۵۳). در آیاتی همچون «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ ادْعُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶)، در کنار ضرورت عبودیت خداوند، به ضرورت اجتناب از طاغوت نیز اشاره شده است؛ زیرا اینها، دو روی یک سکه‌اند.

پذیرش حاکمیت الهی که از لوازم غیرقابل انفکاک تولا است، مستلزم پذیرش حاکمیت کسانی است که از ناحیه خداوند امر و ولایت به ایشان واگذار گردیده است تا آنان همچنان نقش وحدت‌بخشی را در جامعه اسلامی ایفا کنند. در قرآن کریم، علاوه بر اینکه پیامبر اکرم ﷺ الگوی تمام کسانی معرفی می‌شود که مسیر عبودیت خدا را طی می‌کنند (احزاب: ۲۱)، بر امتثال اوامر ایشان و پرهیز از تخلف از فرامین آنها تأکید شده است (برای نمونه، رک: نساء: ۵۹ و انفال: ۱۳؛ توبه: ۶۳؛ فتح: ۱۷؛ احزاب: ۳۶؛ مائده: ۹۲؛ نور: ۵۴؛ محمد: ۳۳). این جایگاه محوری حضرت باعث ایجاد وحدت و همدلی در جامعه اسلامی گردید. حضرت علی علیه السلام در خصوص برکت وجودی پیامبر اکرم ﷺ در وحدت‌بخشی به جامعه آن زمان فرمودند: «دَفِنَ اللَّهُ بِهِ الضَّغَائِنَ وَ أَطْفَأَ بِهِ التَّوَائِرَ أَلْفَ بِهِ إِخْوَانًا وَ فَرَّقَ بِهِ أَقْرَانًا» (نهج البلاغه، ۱۴۱۵ق، خ ۹۶، ص ۱۷۸).

اهل بیت علیهم السلام نیز به مثابه کانون وحدت‌بخش، سهم بزرگی در انسجام‌بخشی به جامعه اسلامی در قالب تولا دارند. امام صادق علیه السلام در عبارت: «نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي قَالَ: وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا» (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۹۱) به این حقیقت اشاره کرده‌اند. در فرمایشی از امام باقر علیه السلام در ذیل عبارت «لَا تَفَرَّقُوا» در آیه‌ای که پیش از این ذکر گردید، آمده است: «إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - عَلِمَ أَنَّهُمْ سَيَفْتَرِقُونَ بَعْدَ نَبِيِّهِمْ وَ يَخْتَلِفُونَ فَهَاهُمْ عَنِ التَّفَرُّقِ - كَمَا نَهَى مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ - فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَجْتَمِعُوا عَلَى وَآيَةِ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام وَ لَا يَتَفَرَّقُوا» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۰۸).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث ثقلین، اهل بیت علیهم السلام را در کنار قرآن، دو محور از هم جدانشدنی معرفی کردند و تمسک به آنها را مایه هدایت و در نتیجه، وحدت امت را بر محوریت قرآن و عترت دانستند (ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۸). بدین‌روی در خطاب آن حضرت به اهل بیت علیهم السلام آمده است که شما همان اهل‌اللهی هستید که به برکت وجودتان نعمت کامل گشت، پراکندگی برطرف شد و اتحاد کلمه پدید آمد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴۶).

ب) نقش تولا در رفع تنش‌ها و اختلافات میان کشورهای اسلامی

تولا از طریق ایجاد رابطه پایدار و مبتنی بر ولایت الهی، نه‌تنها زمینه‌های همگرایی میان کشورهای اسلامی را برپایه اعتقاد به ولایت الهی فراهم می‌کند، بلکه زمینه‌ساز رفع اختلافات و تنش‌ها در میان آنان می‌گردد. براساس آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمُ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (بقره: ۲۰۸)، اهل ایمان به زندگی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر و پرهیز از اختلافات شیطانی مأمور گردیده‌اند. در آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (انعام: ۱۵۹) نیز به عاقبت کسانی اشاره شده است که دین خدا را پراکنده کردند و گروه گروه شدند.

ازجمله وظایف کشور اسلامی در این زمینه آن است در صورت وجود اختلاف میان مسلمانان، برای رفع آن تلاش کند و حتی با کسی که همچنان بر اختلاف و قتال اصرار دارد، مقاتله نماید تا به امر خدا تن دهند (حجرات: ۹ و ۱۰). اساساً رفع اختلافات مسلمانان علاوه بر افزایش همگرایی میان آنان، سبب بهره‌گیری از ظرفیت‌های یکدیگر خواهد شد و این امر زمینه قدرت افزون‌تر کشورهای اسلامی را در عرصه بین‌الملل فراهم خواهد کرد. بدین‌روی در متون دینی برای رفع اختلافات میان مسلمانان، پاداش عظیمی در نظر گرفته شده است. امام باقر علیه السلام نیز درخصوص ایجاد الفت و انس میان محبان اهل‌بیت علیهم السلام فرمودند: «فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأَ أَلْفَ بَيْنٍ وَلَيْسَ لَنَا يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ تَأَلُّفًا وَ تَعَاطُفًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۵۱).

ج) نقش تولا در حمایت مسلمانان از یکدیگر

قاعده تولا، بازیگران جبهه ایمانی در عرصه روابط بین‌الملل، اعم از کشورها، سازمان‌ها و افراد را به سمت تقویت و حمایت‌های همه‌جانبه از یکدیگر سوق می‌دهد. بر حمایت مسلمانان از یکدیگر در عرصه جهانی، در منابع اسلامی در قالب‌های گوناگون تأکید شده است.

یاری‌رسانی و حمایت از برادران ایمانی به قدری حائز اهمیت است که در برخی روایات، پیامد عدم یاری‌رسانی به برادر دینی، خارج شدن از ولایت الهی دانسته شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۸۶). در برخی روایات، ازجمله ویژگی‌های مؤمنان، حمایت و پشتیبانی از یکدیگر در برابر مصائب، مشکلات و چالش‌ها ذکر شده و این ویژگی به‌سبب قرابت ایمانی است که آنها با یکدیگر پیدا کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۸، ص ۱۵۰؛ ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۷۷؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۱۰۶). مطابق روایاتی نیز ازجمله حقوق مؤمنان بر یکدیگر، یاری و حمایت از همدیگر معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۶). معصومان علیهم السلام در بیانات خود، وعده پاداش دنیوی و اخروی به کسانی داده‌اند که به حمایت از برادران ایمانی خود اقدام می‌کنند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۷۲ و ۳۸۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۷؛ ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۷۷). همچنین وعده عقاب و عذاب دنیوی و اخروی به کسانی داده‌اند که در هنگام ضرورت، حمایتی از برادران ایمانی خود نمی‌کنند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۶۹ و ج ۱۶، ص ۳۸۵ و ۳۸۶؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۹۹). اهمیت کمک به برادران ایمانی تا

آنجاست که حتی در برخی روایات، پیامد عدم یاری‌رسانی به برادر دینی، خارج شدن از ولایت الهی دانسته شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۸۶).

درخصوص حمایت مسلمانان از یکدیگر، دو نکته حائز اهمیت است:

نخست آنکه همان‌گونه که در میان آحاد مسلمانان باید روحیه حمایت‌گری در قالب خدمت‌گزاری و خدمت‌رسانی جریان داشته باشد، در میان کشورهای اسلامی نیز این ویژگی ضرورت دارد؛ زیرا وجود مرزهای اعتباری، میان مسلمانان فاصله حقیقی ایجاد نمی‌کند و باید فرهنگ خدمت‌رسانی میان این دسته از کشورها حاکم باشد.

دیگر آنکه همان‌گونه که حمایت و یاری‌رسانی به مسلمانان از لوازم قاعده تولا است، باید از هرگونه اقدام منجر به تضعیف مؤمنان نیز پرهیز کرد. از همین روست که در فرمایش امام صادق علیه السلام آمده است: «مَنْ أَعَانَ عَلَى مُؤْمِنٍ بِشَطْرِ كَلِمَةٍ لَقِيَ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - وَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ آيسُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (همان، ج ۱۲، ص ۳۰۴). البته این حمایت‌ها باید در قالب موازین و احکام شریعت باشد، نه در قالب گناه و معصیت. براساس آیه شریفه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مائده: ۲)، مسلمانان از یک‌سو، به کمک یکدیگر در برّ و تقوا امر شده‌اند و از سوی دیگر از یاری و همکاری در گناه و خصومت منع گردیده‌اند.

د) نقش تولا در رفع و کاهش آلام مسلمانان

قاعده تولا مستلزم توجه مسلمانان به دردها و رنج‌هایی است که هریک از اهل ایمان در اقصا نقاط جهان با آن مواجه می‌شوند. براساس پیوند عمیقی که تولا میان مسلمانان ایجاد می‌کند، مسلمانان و به‌ویژه دولت اسلامی، نسبت به رنج‌ها، دردها، تهدیدها و سختی‌هایی که بر دیگر مسلمانان وارد می‌آید، مسئول است. در منابع اسلامی، این مسئولیت ابعاد و مراتب متفاوتی دارد:

۱. اولین سطح مسئولیت در برابر آلام مسلمانان، احساس تکلیف و مسئولیت در برابر آن است. بدین‌روی خداوند متعال خود فرموده است که هیچ‌گاه کسی نخواهد بخشید که با شکم سیر بخوابد، درحالی‌که در کنارش مؤمن گرسنه‌ای باشد (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۹۷). در روایات متعددی نیز تصریح گردیده است: کسی که در صبح و شب خود، به امور مسلمانان توجهی نداشته باشد، رابطه ولایی میان او و سایر مسلمانان قطع می‌شود و او دیگر مسلمان قلمداد نمی‌گردد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۳؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۸). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مثال مؤمنان در نیکی و مهرورزی به یکدیگر را همچون مثال پیکری دانسته‌اند که چون عضوی از آن به درد آید، سایر اعضای آن دچار بی‌خوابی و تب گردد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۸، ص ۱۵۰). همچنین ایشان به مؤمنان توجه داده‌اند که اگر در راه خداوند متعال به یکدیگر محبت ورزند و اظهار دوستی و صفا نمایند، همچون جسد واحدی خواهند بود که اگر موضعی از بدن یکی از آنها به درد آید، درد آن موضع را دیگران نیز درک خواهند کرد (کراچکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۵۲).

۲. مؤمنان، در صورتی که در قبال حزن و اندوه مسلمانان احساس وظیفه کند، در گام اول برای رفع آلام و رنج‌هایی مسلمانان به یاری آنها خواهد شتافت. براساس فرمایش رسول اکرم ﷺ هر کس اندوهی را از مؤمنی برطرف کند خداوند ۷۲ اندوه از اندوه‌های آخرت و ۷۲ اندوه از اندوه‌های دنیا را برایش برطرف می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۷۲). قابل ذکر است که تعداد اندوه دنیوی و اخروی که در روایت ذکر شده، حاکی از فراوانی آن است. امام صادق ﷺ نیز بشارت به نزول رحمت‌های الهی، اعم از دنیوی و اخروی، به سبب فریادرسی مؤمنان داده‌اند (همان، ص ۳۷۰). براساس فرمایش امام رضا ﷺ، اقدام برای رفع شداید هر مؤمنی را موجب خشنودی قلب او در قیامت دانسته‌اند (همان، ص ۳۷۲). فریادرسی مؤمن تا آن حد اهمیت دارد که بنابر فرمایش رسول مکرم ﷺ، جایگاه فرد را در روز قیامت تا مقام شفیعان ارتقا می‌بخشد (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۵۶). همچنین کمک به برطرف کردن اندوه مؤمنان در فرمایشی از حضرت علی ﷺ از کفاره گناهان کبیره شمرده شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۷۳).

۳. علاوه بر تلاش در برطرف کردن درد و رنج مسلمانان، در گام بعدی، تأمین نیازهای آنان ضرورت می‌یابد. از همین روست که در روایات متعددی، بر تأمین حوائج نیازمندان تأکید شده است. برخی روایات، از جمله حقوق مؤمنان بر یکدیگر را تأمین حوائج ضروری آنان دانسته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۰). در روایاتی بر تأمین نیاز مؤمنان، پاداش‌های دنیوی یا اخروی و یا هر دو بشارت داده شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۶۷؛ ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۷۴).

از سوی دیگر، در روایاتی، به سبب بی‌توجهی به حاجات مؤمنان، وعده عذاب سخت دنیوی یا اخروی و یا هر دو داده شده است (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۷۵؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۹۸). حتی براساس فرمایش امام صادق ﷺ، برآورده نکردن احتیاجات مؤمنان، چه او خود قادر به برآوردن آن حاجات باشیم، چه با کمک غیر، در حکم خیانت به خدا و رسولش و مستوجب عقاب سنگین به‌شمار آمده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۶۷).

همواره قاعده‌تولا دو سویه دارد: عمل به وظیفه در قبال اهل ولایت، مستوجب ثواب و پاداش خواهد بود و نادیده انگاشتن آن مستوجب عقاب خواهد گردید؛ بدین‌روی امام موسی بن جعفر ﷺ علاوه بر اینکه گام برداشتن برای تأمین حاجت مؤمنان را سبب نیل به ولایت اهل‌بیت ﷺ و وصول به ولایت‌الله دانسته‌اند، بی‌تفاوتی در برابر حوائج آنها را نیز سبب نزول عذاب‌های الهی شمرده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۶۰).

ابعاد سیاسی و حکومتی حمایت از رنج‌دیدگان از نظر اهل‌بیت ﷺ مغفول نمانده است. از همین‌رو حضرت علی ﷺ تصریح فرموده‌اند: کسی که عهده‌دار مسئولیتی از امور مسلمانان گردیده است، نباید نسبت به حوائج مسلمانان بی‌تفاوت باشد، وگرنه دچار خشم و غضب الهی خواهد شد (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۳۱۶).

از اشاره‌ای که به مفاد برخی روایات در این زمینه شد، می‌توان دریافت که در این مسئله با دو نوع بیان مواجه هستیم: در برخی از روایات، ثواب و پاداش، بر تأمین حوائج مؤمنان مشروط دانسته شده است، اما برخی روایات،

حتی تلاش برای تأمین حوائج مؤمنان را هم دارای پاداش دانسته‌اند. براساس فرمایشی از امام باقر^{علیه السلام}، گام برداشتن برای تأمین حاجت مؤمنان هم موجب استحقاق بهشت می‌شود، چه انسان بتواند حاجت مؤمنی را برآورد و چه نتواند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۶۰).

ه) نقش تولا در شکل‌گیری روابط مبتنی بر حسن اعتماد

از جمله استلزامات تولا، که می‌تواند در شکل‌گیری روابط میان کشورهای اسلامی بر پایه اعتماد به یکدیگر نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد، حسن ظن نسبت به برادران ایمانی و پرهیز از سوءظن نابجاست. در روابط میان کشورهای اسلامی، اصل بر اعتماد و حسن ظن است، اما مسلمانان در قبال غیرمؤمنان، به‌ویژه معاندان و دشمنان اسلام، اصل را باید بر عدم اعتماد و سوءظن بگذارند. از این‌رو، در قرآن کریم، ظن ناروا نسبت به مؤمنان از گناهان شمرده شده است، به‌ویژه ظنی که منجر به تجسس و غیبت برادر ایمانی گردد (حجرات: ۱۲).

حضرت علی^{علیه السلام} به مؤمنان توصیه فرموده‌اند در مواجهه با رفتارها و سخنان مؤمن با حسن ظن برخورد کنید و تا جایی که می‌توان درباره عمل مؤمنی احتمال نیک داد، نباید به آن گمان بد برد (نهج البلاغه، ۱۴۱۵ق، ح ۳۶۰، ص ۷۳۰). در فرمایش دیگری، حضرت توصیه فرموده‌اند برای اینکه زمینه بدبینی نسبت به مؤمن فراهم نشود سخنان بی‌پایه و اساس دیگران درباره او را کنار زنید و به آن اهمیتی ندهید (همان، خ ۱۴۱، ص ۲۵۹). براساس فرمایش امام صادق^{علیه السلام} نیز، خداوند عمل مؤمن را که در آن گمان سوء نسبت به مؤمنی باشد، نمی‌پذیرد (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۹۹).

حسن ظن در برابر عمل و رفتار مؤمنان و مسلمانان در هر مرز و بومی زمینه شکل‌گیری روابط مبتنی بر حسن اعتماد را فراهم می‌سازد، لیکن در برابر جریان غیر ایمانی که به خصومت با کشور اسلامی مبادرت ورزیده است، باید سوءظن داشت، به‌ویژه در زمان صلح که لازم است در این زمینه دقت بیشتری به خرج داد. از این‌رو حضرت علی^{علیه السلام} نسبت به دشمن، به‌ویژه پس از صلح، به شدت هشدار داده‌اند؛ زیرا گاهی دشمن نزدیک می‌شود تا مسلمانان را غافلگیر کند. در چنین حالتی باید دوراندیش بود و از حسن ظن پرهیز کرد (نهج البلاغه، ۱۴۱۵ق، ن ۵۳، ص ۶۱۲).

و) نقش تولا در تقویت امنیت و مصونیت‌های اجتماعی

یکی از لوازم باور به اصل تولا، باور به مصونیت و حرمت مؤمنان است؛ زیرا رابطه عمیق ولایی در میان مؤمنان متفرع بر حرمت قائل شدن برای جان، مال و عرض آنان است و همین باور است که می‌تواند امنیتی پایدار براساس باورهای ایمانی به همراه داشته باشد. در منابع اسلامی، به رابطه عمیق ولایی از طریق رعایت حرمت مؤمنان تصریح گردیده است.

آیه شریفه «وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ» (مائده: ۴۵) ناظر به حرمت جان افراد و مشروعیت حکم قصاص در ادیان آسمانی غیر

از اسلام است. از خطاب در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرْ بِالْحَرْ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأُنْثَى» (بقره: ۱۷۸)، علامه طباطبائی استفاده نموده است که مسلمان در مقابل مسلمان قصاص می‌شود و این آیه نسبت به حرمت جان غیرمسلمانان، همچون اهل ذمه ساکت است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۴۳۲). در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز تصریح شده است که این آیه مخصوص جماعت مسلمانان است (عروسی حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۵۶). در آیه شریفه «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً» (نساء، ۹۲)، خداوند متعال به مؤمنان اجازه قتل مؤمنی را نمی‌دهد، مگر آنکه کسی از روی خطا و اشتباه مرتکب آن شده باشد که در این صورت، براساس عبارات بعدی آیه شریفه، برای آن خطا و اشتباه مجازاتی در نظر گرفته است، اما وی کشته نمی‌شود. براساس فرمایشی از رسول گرامی صلی الله علیه و آله عواقب منفی کشتن مؤمن نزد خداوند شدیدتر از نابودی دنیاست (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۸، ص ۲۰۷).

علاوه بر جان، اموال مسلمانان هم، چه در درون مرزهای جغرافیایی کشور اسلامی باشد و چه در خارج آن، حرمت دارد و تصرف در آن بدون اذن مالکش مشروع نیست. بدین‌روی در منابع اسلامی نسبت به تعرض به اموال مسلمانان و مؤمنان هشدار داده شده و بر حرمت مال مسلمانان تأکید شده است.

رسول مکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر جان مؤمن، به حرمت مال او نیز تصریح فرموده‌اند (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۱۰۶). مطابق فرمایش آن حضرت در حجة‌الوداع، خون مسلمان و مال او حلال نیست، مگر آنکه با اختیار خود او باشد. در فرازی از خطبه حجة‌الوداع آمده است: «إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَ أَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ كَحَرَمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِى شَهْرِكُمْ هَذَا فِى بَلَدِكُمْ هَذَا» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۸، ص ۲۰۶).

در منابع اسلامی، به شدت از دشنام‌گویی و ناسزا گفتن به یکدیگر نهی شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۹۷؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۱۰۵؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۰۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۶). رسول مکرم صلی الله علیه و آله دشنام‌گویی به مؤمن را موجب فسق، و قتال با او را سبب کفر، و خوردن گوشتش (از طریق غیبت) را معصیت، و حرمت مال او را مانند حرمت خونس دانسته‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۹۷).

علاوه بر این، آبروی مؤمن نیز به سبب رابطه ولایی حرمت می‌یابد و نمی‌توان متعرض آن گردید. در روایات، تکریم مؤمنان در حکم تکریم خداوند متعال دانسته شده است (همان، ج ۱۶، ص ۳۷۶). همچنین در روایتی از رسول مکرم صلی الله علیه و آله آمده است: هر کس با سخنی ملامت‌آمیز برادر مؤمنش را تکریم نماید و اندوهش را برطرف سازد، همواره تا زمانی که در این حال است، در سایه رحمت واسعه الهی به سر خواهد برد (همان).

از سوی دیگر، از هرگونه رفتاری که منجر به تحقیر و توهین مؤمنان می‌شود، در اسلام مذمت گردیده و از آن نهی شده است. در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَ لَا تَكَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَ مَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (حجرات: ۱۱)، از هرگونه تحقیر و اهانت دیگران نهی شده است. به بیان تفسیر المیزان، در

این آیه، «سخریه» به معنای استهزا (یعنی ذکر چیزی که موجب تحقیر انسان می‌شود)، «لمز» به معنای مطرح کردن عیوب دیگران، و «تنابز باللقاب» صدا کردن یکدیگر با القاب بد، مثل «فاسق» و «سفیه» است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۳۲۱).

در ابواب گوناگون کتب روایی نیز در روایات بسیاری بر ضرورت حفظ حرمت مؤمنان تأکید شده است. در برخی از آنها از هرگونه تحقیر و ذلیل شمردن مؤمنان، حتی فقراشان به شدت نهی شده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۲۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۶۶، ۲۶۷ و ۲۷۰). در برخی روایات، کوچک کردن مؤمن در حکم جنگ با خدا شمرده است (همان، ص ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹ و ۲۷۱). براساس برخی روایات، اقتضای رابطه برادری مسلمانان با یکدیگر آن است که در غیاب یکدیگر، از هم بدگویی نکنند؛ همان‌گونه که نباید به هم خیانت ورزند، خدعه نمایند، به هم ظلم کنند و یکدیگر را تکذیب نمایند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۶؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۱۰۴). در روایاتی عدم جواز تهمت به یکدیگر از حقوق مسلمانان نسبت به یکدیگر شمرده شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۰). در روایات بسیاری بر ضرورت پوشاندن عیوب مؤمنان تأکید شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۷۱، ۳۷۹؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۱۰۵).

این‌همه تأکید بر جان، مال و حیثیت مسلمانان و مؤمنان در منابع اسلامی نشان از اهمیت فزاینده تولا در میان احکامی دارد که خداوند مکلفان را وادار به رعایت آنها کرده و حفظ این حرمت‌هاست که امنیت اجتماعی را در میان مسلمانان به ارمغان می‌آورد.

کاربست تبرا در سیاست خارجی دولت اسلامی

الف) نقش تبرا در تقویت روحیه سلطه‌ستیزی

همواره تاریخ شاهد حضور جریاناتی در عرصه بین‌الملل با عناوینی همچون «سلطه‌گر، سلطه‌ستیز، سلطه‌پذیر و سلطه‌گریز» بوده است. قاعده تبرا متضمن نفی هرگونه سلطه‌گری براساس خوی قدرت‌طلبی و استکبار آدمیان است و چون طاغوت به پشتوانه کفر و شرک، به دنبال سلطه‌گری و قدرت‌طلبی برخی انسان‌ها بر انسان‌های دیگر است، از این‌رو هرگونه سلطه کفار و مشرکان که زمینه‌ساز سلطه طاغوت در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی و نیز اقتصادی باشد در اسلام نفی شده است.

به‌منظور مقابله با سلطه‌گری، اسلام در درجه نخست، مسلمانان را موظف می‌سازد تا از استیلا کفار بر ایشان جلوگیری نمایند: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱). در صورت تسلط کفار و مشرکان بر مسلمانان در حوزه‌های گوناگون، آنان حریم مقدسات مسلمانان را خواهند شکست و برای اینکه از دین در جامعه اثری باقی نماند، تلاش خواهند کرد تا مسلمانان را نیز به‌سوی آیین انحرافی خود سوق دهند: «إِنْ يَتَّقُواكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَ يَسْتَطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَسْئِلْتَهُم بِالسُّوءِ وَ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ» (ممتحنه: ۲).

اسلام در درجه بعد، به منظور مقابله با سلطه اجانب، مسلمانان را مکلف می‌سازد تا با حفظ و تقویت برتری خود نسبت به کفار و مشرکان، به آنان مجال ندهند که حتی به فکر غارت و چپاول منابع مادی و معنوی مسلمانان بیفتند. در روایتی از حضرت رسول اکرم ﷺ آمده است: «الاسلام یعلو و لایعلی علیه» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۶، ص ۱۴). بنابراین، اصل نفی سلطه، که برآمده از قاعده «تبرا» است، راه هرگونه نفوذ و تسلط حکومت‌های کفر و شرک را بر کشورهای اسلامی و اتحاد مسلمانان مسدود کرده است. در نتیجه غیر مسلمانان تحت هیچ شرایطی و در هیچ زمینه‌ای نباید بر مسلمانان چیرگی داشته باشند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۶۶، ص ۵۱). براساس همین قاعده، حضرت امام خمینی ﷺ حکم به وجوب خودداری از قراردادهایی داده‌اند که با انعقاد آنها، زمینه تسلط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کفار فراهم می‌شود (موسوی خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۸۶، مسئله ۵ و ۶).

ب) نقش تبرا در استقلال همه‌جانبه کشور اسلامی

تبرا متضمن نوعی غیریت‌سازی است نسبت به کسانی که با حاکمیت خداوند و اولیایش سر ستیز دارند. از این رو، از جمله کاربردهای قاعده «تبرا» نفی وابستگی یک‌جانبه نسبت به غیرمسلمانان و استقلال همه‌جانبه آنان نسبت به جریانات سلطه‌گر در حوزه بین‌الملل است. خداوند متعال از دولت اسلامی می‌خواهد در مواجهه با کشورهای گوناگون، مراقب عزت خود باشد، آن را تنها در جبهه ولایی مؤمنان - و نه در جای دیگر - جست‌وجو نماید و این مبنای اصلی استقلال در اسلام بر پایه تبرا است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸).

در منابع اسلامی، به برخی از استلزامات و کاربردهای تبرا، که رعایت هریک از آنها ظرفیتی برای استقلال کشور اسلامی در قبال کشورهای سلطه‌گر ایجاد می‌کند، اشاره شده است. در اینجا به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. عدم اعتماد بر کفار و مشرکان معاند در هنگام مواجهه با آنان در زمان صلح و جنگ (آل عمران: ۱۱۸)، زمینه نفی وابستگی کشور اسلامی به اجانب را فراهم می‌کند. در مقابل، اعتماد به آنان و محرم اسرار قرار دادن آنان، زمینه‌ساز نفوذ ایشان در کشور اسلامی و در نتیجه، سلب استقلال کشور اسلامی را موجب خواهد گردید. در آیه شریفه «وَ لَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (هود: ۱۱۳) خداوند متعال از هرگونه اتکا به دشمن نهی کرده است.

۲. نفی پذیرش ولایت غیرمسلمانان بر مسلمانان، از جمله سازوکارهای استقلال کشور اسلامی در مواجهه با سلطه همه‌جانبه اجانب است. از این رو، در قرآن کریم، هم از رابطه ولایی با اهل کتاب نهی شده است (مائده: ۵۱)، هم کفار (نساء: ۱۴۴؛ ممتحنه: ۱۳) و هم با مشرکان (توبه: ۲۸). حتی در برخی آیات به‌طور مطلق از هرگونه رابطه ولایی با غیر مسلمانان نهی گردیده است (مجادله: ۲۲). از آیات ناهمی‌پذیرش تولای کفار و مشرکان، می‌توان استفاده کرد. «مؤمنان نه تنها ولایت کافران را نمی‌پذیرند، به آنان مودت نیز ندارند؛ یعنی هیچ‌یک از مراحل سه‌گانه «مودت»، «تولا» و «اتخاذ ولی» را ندارند. حتی اصل مودت را ندارند که پایین‌ترین مرحله است، چه رسد به «تولا» یا «اتخاذ ولی» که مستحکم‌ترین رابطه است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳).

براساس آیه شریفه «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (آل عمران: ۲۸)، مؤمنان حق ندارند کفار را ولی خود بگیرند و اگر کسی چنین کند، رابطه ولایی او با خدا منقطع می‌گردد، مگر آنکه پذیرش ولایت آنان از روی تقیه و برای حفظ جان باشد. برخی از آیه شریفه فوق استفاده کرده‌اند که بنابر توصیه قرآن، «رابطه با کافران نباید از رابطه با مسلمانان سبقت گیرد و درهرحال، حق تقدّم برقراری روابط با مسلمین باید محفوظ بماند و روابط با غیر مسلمانان نباید پررنگ‌تر از روابط مسلمین گردد» (علوی، ۱۳۸۵، ص ۳۴). این درحالی است که آیه شریفه به‌هیچ‌وجه درصدد بیان تقدم رابطه با مسلمانان نیست، بلکه درصدد بیان این نکته است که رابطه ولایی با کفار مطلقاً ممنوع است.

البته نفی رابطه ولایی با کفار به معنای در پیش گرفتن رویکرد خصمانه در قبال آنان نیست، بلکه بدان معناست که نباید با آنان آنچنان در آمیخت که مسلمانان هویت اسلامی خود را از دست دهند و آن تمایزات اساسی و اصولی را فراموش کرده، آنان را همچون خویش بپندارند تا در نتیجه به تدریج آنان زمینه نفوذ خود را در میان مسلمانان فراهم نمایند و استقلالشان را از ایشان سلب کنند. برقراری رابطه ولایی به این شکل، می‌تواند پیامدهایی برای مسلمین به دنبال داشته باشد؛ از جمله بازگشت مسلمانان به سمت کفر، گم کردن راه حقیقت، و قرار گرفتن آنان در زمره ستمکاران (آل عمران: ۱۰۰؛ ممتحنه: ۱ و ۲؛ مائده: ۵۱). همچنین از این آیات استفاده می‌شود: پذیرش ولایت کفار مطلقاً ممنوع است و تابع قیودی همچون تجاوزگری، توطئه‌گری یا فتنه‌انگیزی آنان نیست.

روشن است که پذیرش ولایت غیرمسلمانان مستلزم اطاعت از آنان است. در این صورت، به‌ناچار یا باید برخی واجبات شرعی همچون دعوت به‌سوی اسلام کنار گذاشته شود و یا باید به بسیاری از اعمال تن داد که با شریعت اسلام ناسازگار است (انعام: ۱۲۱) و یا مطابق با هوا و هوس آنان رفتار کرد (جاثیه: ۱۸). در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرِيدُوا كُفْرَكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۹)، خداوند متعال به مسلمانان هشدار می‌دهد که مبادا خود را به اطاعت کفار و مشرکان درآوردند تا رضایت آنان را جلب نمایند؛ زیرا از این طریق آنان خواهند توانست باورها و ارزش‌های الهی را در جامعه اسلامی را کمرنگ کنند و بدین‌سان، زمینه نفوذ ارزش‌ها و باورهای خود را در جامعه اسلامی فراهم نمایند.

۳. قاطعیت و صلابت در برابر کفار و مشرکان از جمله عوامل استقلال کشور اسلامی و از جمله پیامدهای تبراست. از این‌رو، کفار تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا کشور اسلامی را تبدیل به کشوری منفعل و در نتیجه متزلزل نمایند. آنان به دنبال آنند که مسلمانان از خود نرمشی نشان دهند که پیامدش ترک واجب یا ارتکاب حرام و یا حتی سکوت در برابر امر باطلی گردد: «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ» (قلم: ۹). حتی در برقراری روابط با بیگانگان، مسلمانان باید توافقات و قراردادهای به‌گونه‌ای تنظیم کنند که امری مخالف با قوانین الهی در

آن رخ نهد و به بهانه رابطه، ضوابط شرع اسلام به فراموشی سپرده نشود. براساس فرمایش امام صادق علیه السلام: «مَنْ اشْتَرَطَ شَرْطًا مُخَالِفًا لِكِتَابِ اللَّهِ فَلَا يَجُوزُ لَهُ وَ لَا يَجُوزُ عَلَى الَّذِي اشْتَرَطَ عَلَيْهِ وَ الْمُسْلِمُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ فِيمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۹) و «كُلُّ شَرْطٍ خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ بَاطِلٌ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۱۹) و نیز به بیان رسول اکرم صلی الله علیه و آله: «الصُّلْحُ جَائِزٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا صُلْحًا أَحَلَّ حَرَامًا أَوْ حَرَّمَ حَلَالًا» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۲) در روابط با سایر کشورها نیز نباید کوتاه آمد و به توافقی تن داد که منجر به نادیده گرفتن حلال و حرامی گردد.

۴. از جمله عوامل نیل به استقلال عینی، شکل‌گیری استقلال ذهنی است. برخی به سبب روحیه ذهنی وابسته به اجانب، تلاش می‌کنند به هر طریق ممکن، خود را به آنان شبیه سازند، و حال آنکه در منطق اسلام، از هرگونه شبیه‌سازی به اجانب پرهیز داده شده است و این نشان از آن دارد که حتی با حفظ ظواهر نیز باید از الگوگیری سبک زندگی اجانب خودداری نمود. به تعبیر حضرت علی علیه السلام: «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ عَدُوِّهِمْ» (ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۱۳). در بیانی دیگر، حضرت تأکید فرمودند: کم‌اند کسانی که خود را به قومی شبیه سازند اما از آنان محسوب نگردند: «إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ؛ فَإِنَّهُ قَلٌّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۵ق، ح ۲۰۷، ص ۶۹۶). در روایتی نقل شده است که حضرت علی علیه السلام همواره بر این مطلب تأکید داشتند که در صورت تأثیرپذیری، خودباختگی و انفعال در برابر دشمن، حتی در لباس و غذا، باید انتظار ذلت و پستی داشت: «كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَقُولُ: لَأَنْزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَ يَطْعَمُوا أَطْعِمَةَ الْعَجَمِ؛ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۴۱۰).

۵. عدم چشمداشت به یاری و نصرت کفار و مشرکان زمینه خودباوری و استقلال کشور اسلامی را بیش از پیش فراهم می‌کند. خداوند متعال از یک‌سو، در آیه شریفه «وَوَكْفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَ كَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا» (نساء: ۴۵) تأکید دارد که اگر کسی خداوند را ولی خود قرار داد نیاز به ولایت و نصرت دیگران ندارد، و از سوی دیگر در آیه «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْبَتُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء: ۱۳۹) تصریح نموده رابطه ولایی با کفار هرگز عزت، غنا و سربلندی مؤمنان را به دنبال نخواهد داشت و چشم مسلمانان نباید به یاری آنان باشد.

ج) نقش تبرا در اتخاذ رویکرد عزتمندانه در عرصه بین‌الملل

چه در زمانی که دولت اسلامی در وضعیت صلح قرار دارد و چه در زمان جنگ، کشور اسلامی باید از موضع اقتدار و عزت، با دیگر کشورها مواجهه نماید. اصل «عزت» اصلی بنیادین در حوزه سیاست خارجی دولت اسلامی است و هیچ اصل دیگری نمی‌تواند بر آن حاکم شود. منشأ اصلی عزت، چنگ زدن به ریسمان الهی است؛ زیرا تمام عزت‌ها از او ناشی می‌شود: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر: ۱۰). البته مؤمنان نیز به سبب حرکت در مسیر بندگی خداوند، عزت را تنها در میان خود می‌جویند و عزتی فرای آن و در جای دیگر جست‌وجو نمی‌کنند: «وَوَكْفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا» (نساء: ۴۵).

لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸). عزت اسلام و مسلمانان در صورتی محقق خواهد گردید که مسلمانان به لوازم اصل عزت‌مداری پایبند باشند. در اینجا به برخی از سازوکارهای اصل عزت‌مداری در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل اشاره می‌شود:

۱. مسلمانان در قبال جبهه کفر، همواره باید از موضع اقتدار وارد شوند، نه از موضع ضعف و زبونی. نتیجه هرگونه سستی و خودباختگی در مقابل دشمن، از دست رفتن عزت کشور اسلامی در برابر سایر کشورهاست. از این رو در آیات شریفه «وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹) و «فَلَا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَبْتَرِكَكُمْ أَعْمَالَكُمْ» (محمد: ۳۵)، مسلمانان از سستی و خودباختگی در مقابل دشمن نهی شده‌اند.

۲. نشان دادن اقتدار و نمایش قدرت کشور اسلامی، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، می‌تواند مسلمانان را در موضع عزت قرار دهد. در قرآن کریم در آیه شریفه «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهٖ عَدُوُّ اللَّهِ وَ عَدُوُّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِی سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال: ۶۰)، بر نمایش قدرت و آمادگی در برابر دشمن تأکید شده است و آنگاه براساس آیه بعد «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال: ۶۱)، تحت چنین شرایط قدرتمندانه‌ای، اگر طرف مقابل درخواست صلح داشت، این درخواست در صورتی که مصالح مسلمانان را به خطر نیندازد، مقبول کشور اسلامی قرار می‌گیرد. بنابراین، حتی در موضع مذاکره و گفت‌وگو نیز اسلام تأکید دارد: کشور اسلامی از موضع عزت و اقتدار وارد شود. البته در آیه بعد، خداوند متعال به مسلمانان گوشزد می‌کند، اگر درخواست آنان از سر مکر و خدعه باشد، در آن صورت، پذیرش صلح روا نخواهد بود؛ زیرا ممکن است دشمن از راه‌های گوناگون، نیروها و امکانات خود را تجهیز نماید و اقتدار سپاه اسلام را به هر طریق ممکن تضعیف نماید (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۹، ص ۱۸).

۳. لازمه حفظ عزت کشور اسلامی، حفظ استقلال و رفع وابستگی در عرصه بین‌الملل در مقابل اجانب و حفظ روحیه آزادی در مقابل آنهاست. حضرت علی علیه السلام توصیه فرموده‌اند: کسی خود را به بندگی دیگری نگیرد و همواره آزادی پیشه کند: «وَ لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرَكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (نهج البلاغه، ۱۴۱۵ ق، ن ۳۱، ص ۵۴۹).

۴. برخورد شدید و غلیظ با دشمنان می‌تواند عزت و اقتدار کشور اسلامی را در پی داشته باشد. براساس آیه شریفه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹)، از جمله ویژگی‌های مسلمانان، قاطعیت و شدت در برابر کفار و پرهیز از هرگونه عملی است که ذلت، خواری و تسلیم در برابر آنان را پی داشته باشد. در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ آغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَا وَأَلَّهُمْ جَهَنَّمَ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ» (توبه: ۷۳) نیز خداوند متعال پیامبر خویش را به رفتار شدید با دشمنان امر می‌کند.

د) نقش تبرا در کاهش قدرت سلطه‌گران

پرهیز دادن از رجوع به اجانب و بیگانگان در منابع اسلامی، که از لوازم قاعده تبراست، منجر به کاهش قدرت و اقتدار آنان خواهد گردید. در روابط بین‌الملل، بلوک شرق و غرب همواره با استثمار و بهره‌گیری از کشورهای پیرامونی و ظرفیت‌های موجود در آنها، بر قدرت خود افزوده‌اند. به‌منظور تضعیف جایگاه سلطه‌گران در عرصه بین‌الملل، اسلام آموزه‌هایی را مطرح نموده است؛ از جمله برائت جستن از طواغیت (یونس: ۴۱؛ توبه: ۳؛ ممتحنه: ۴) و رویگردانی از کفار و مشرکان معاند (حجر: ۹۴؛ انعام: ۶۸، ۷۰ و ۱۰۶؛ منافقون: ۴). هریک از این اقدامات می‌تواند سهمی در کاهش اقتدار قدرت‌های سلطه‌گر داشته باشد.

ه) نقش تبرا در تمایزبخشی نوع روابط با سایر کشورها

تبرا علاوه بر مرکزکشی و بلوک‌بندی دو جریان بزرگ در روابط بین‌الملل، درخصوص نوع روابطی که کشور اسلامی با سایر کشورها برقرار می‌کند نیز تأثیر قابل توجهی دارد. براساس آیه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده: ۲)، از جمله ملاک‌های همکاری کشورها با یکدیگر، «بر» و «تقوا» ذکر شده است. از دیگر سو، هرگونه رابطه مبتنی بر گناه، تعدی و تجاوز ممنوع گردیده است. همچنین از آیات شریفه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (بقره: ۱۹۰) و «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه: ۸ و ۹) نیز استفاده می‌شود که رابطه با مقاتله‌کنندگان در دین، غاصبان سرزمین‌ها و یاریگران غاصبان سرزمین‌ها روا نیست.

نتیجه‌گیری

از جمله وظایف دولت اسلامی، بهره‌گیری از احکام و قواعد فقهی در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل است. بهره‌گیری از قواعد فقهی در این حوزه، موجب اعتلای کشور اسلامی و شکل‌گیری روابطی مبتنی بر مصلحت، عزت و حکمت خواهد گردید. از قواعد پرکاربرد و مؤثر در این عرصه، قاعده «تولا» و «تبرا» است که التزام نظری و عملی به ولایت الهی و مودت قلبی ایمانی از یک‌سو، و بغض و عداوت نسبت به طاغوت و دوری‌گزینی از ولایت طاغوت از سوی دیگر را می‌طلبد. بر همین اساس، در ساختار روابط بین‌الملل، دو بلوک کاملاً غیرمتجانس و متضاد در مقابل یکدیگر شکل می‌گیرند که در قالب رقابت حق و باطل همواره یکدیگر را به چالش می‌کشند.

از جمله کاربردهای «تولا» در سیاست خارجی دولت اسلامی، ایجاد همگرایی در صفوف مسلمانان با بهره‌گیری از مشترکات ایمانی است؛ همچنان‌که این قاعده می‌تواند در رفع اختلافات و تنش‌های موجود میان

کشورهای اسلامی نقشی ارزنده ایفا کند. باور به تولا، علاوه بر اینکه روابط میان کشورهای اسلامی را براساس اصل «حسن اعتماد»، شکل داده، آن را تقویت می‌کند، متضمن یاریگری مسلمانان در قبال یکدیگر و تلاش برای رفع آلام و رنج‌هایی است که ممکن است هریک از آنها را به شدت بیازارد. همچنین به خاطر حرمت جان، مال و عرض مسلمانان، باور به تولا موجب می‌شود مسلمانان نسبت به یکدیگر احساس امنیت کنند و خود را در برابر خطرات و تهدیدات احتمالی از سوی کشورهای اسلامی دیگر مصون بدانند.

در دیگر سو، قاعده «تبرا» ضمن آنکه از یک‌سو، روحیه سلطه‌ستیزی را در سیاست خارجی دولت اسلامی تقویت می‌کند، و از دیگر سو، اقتدار جریان سلطه‌گر در عرصه بین‌الملل را به چالش می‌کشد و منجر به تضعیف آن می‌شود و کشور اسلامی را وامی‌دارد تا در برابر اجانب و بیگانگان رویکردی عزتمندانه اتخاذ نماید. همچنین قاعده مزبور، از طریق ظرفیت‌هایی که ایجاد می‌کند، منجر به نفی وابستگی یک‌جانبه شده، استقلال کشور اسلامی را به شکل‌های مختلف و در عرصه‌های گوناگون به ارمغان می‌آورد. نیز این قاعده می‌تواند برای روابط میان مسلمانان و غیرمسلمانان، چهارچوبی ارائه دهد تا براساس آن، حدود و ضوابط گونه‌های روابط با دیگر بازیگران بین‌الملل، از جمله دولت‌های غیراسلامی مشخص گردد.

منابع

نهج البلاغه، ۱۴۱۵ق، بی‌جا، دار الاسوة للطباعة و النشر.

امام حسن عسکری، ۱۴۰۹ق، *التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری*، قم، مدرسة الإمام المهدي ع.

ابن‌ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین، ۱۴۰۵ق، *عوالی النالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، تحقیق و تصحیح مجتبی عراقی، قم، دار سیدالشهدا للنشر.

ابن‌بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶، *الأمالی*، چ ششم، تهران، کتابچی.

—، ۱۳۷۸ق، *عیون أخبار الرضا*، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، جهان.

—، ۱۳۸۵، *علل الشرائع*، قم، کتاب‌فروشی داوری.

—، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری، چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن‌حیون مغربی، نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ق، *دعائم الإسلام*، تحقیق آصف فیضی، چ دوم، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت ع.

ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، چ دوم، قم، مؤسسه النشر اسلامی التابعة لجماعة المدرسین.

بجنوردی، سیدمحمدحسن، ۱۴۳۰ق، *القواعد الفقهیة*، تحقیق مهدی مهریزی و محمدحسین درایتی، چ چهارم، قم، دلیل‌ما.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، تحقیق جلال‌الدین محدث، قم، دار‌الکتب‌الاسلامیة.

جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۵ق، *القواعد الاصولیة و الفقهیة علی مذهب الامامیة*، زین‌نظر محمدعلی تسخیری، تهران، مجمع‌العالمی للتقریب بین‌المذاهب‌الاسلامیة.

جوادی‌آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *روابط بین‌الملل در اسلام*، تحقیق و تنظیم و ویرایش سعید بندعلی، قم، اسراء.

حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت ع.

حلبی، تقی بن نجم ابوالصلاح، ۱۴۰۴ق، *تقریب المعارف*، تحقیق فارس تبریزیان (الحسون)، قم، الهادی.

ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۶۶، *اسلام و حقوق بین‌الملل*، چ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، بیروت، مؤسسه‌العلمی‌للمطبوعات.

طبرسی، ابوالفضل علی، ۱۳۸۵ق، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، چ دوم، نجف، المكتبة الحیدریة.

عروسی‌حویزی، عبد علی ابن‌جمعه، ۱۴۱۲ق، *تفسیر نورالقلین*، تحقیق السید هاشم‌الرسولی‌المحلاتی، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.

علوی، سیدمحمود، ۱۳۸۵، *مبانی فقهی روابط بین‌الملل*، تهران، امیر کبیر.

قمی‌مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸، *تفسیر کنز‌الدقائق و بحر‌الغرائب*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، *تفسیر القمی*، چ سوم، قم، دار‌الکتاب.

کراچکی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ق، *کنز‌الفوائد*، تحقیق و تصحیح عبدالله‌نعمه، قم، دار‌الذخائر.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، چ چهارم، تهران، دار‌الکتب‌الاسلامیة.

کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، *تفسیر فرات‌الکوفی*، تحقیق محمد کاظم، تهران، مؤسسه‌الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد‌الاسلامی.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحارالانوار*، چ ۲، بیروت، دار‌احیاء‌التراث‌العربی.

مصطفوی، سیدمحمدکاظم، ۱۴۲۹ق، *القواعد*، چ هفتم، قم، مؤسسه‌النشر‌الاسلامی.

موسوی‌خمینی، سیدروح‌الله، بی‌تا، *تحریر الوسیلة*، قم، مؤسسه‌مطبوعات‌دار‌العلم.

نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، *مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل*، قم، مؤسسه‌آل‌ال‌بیت ع لإحیاء‌التراث.